

پطرس و کرنیلیوس

¹ و در قیصریه مردی کرنیلیوس نام بود، یوزباشی فوجی که به ایتالیائی مشهور است.² و او با تمامی اهل بیتش متقی و خداترس بود که صدقه بسیار به قوم می‌داد و پیوسته نزد خدا دعا می‌کرد.³ روزی نزدیک ساعت نهم، فرشته خدا را در عالم رؤیا آشکارا دید که نزد او آمده، گفت: ای کرنیلیوس! آنگاه او بر وی نیک نگریسته و ترسان گشته، گفت: چیست ای خداوند؟ به وی گفت: دعاها و صدقات توجّهت یادگاری به نزد خدا برآمد.⁵ اکنون کسانی به یافا بفرست و شمعون ملقب به پطرس را طلب کن⁶ که نزد دباغی شمعون نام که خانهاش به کناره دریا است، مهمان است. او به تو خواهد گفت که، تو را چه باید کرد.⁷ و چون فرشته‌ای که به وی سخن می‌گفت غایب شد، دو نفر از نوکران خود و یک سپاهی متقی از ملازمان خاصّ خویشتران را خوانده،⁸ تمامی ماجرا را بدیشان باز گفته، ایشان را به یافا فرستاد.

⁹ روز دیگر چون از سفر نزدیک به شهر می‌رسیدند، قریب به ساعت ششم، پطرس به بام خانه برآمد تا دعا کند.¹⁰ و واقع شد که گرسنه شده، خواست چیزی بخورد. اما چون برای او حاضر می‌کردند، بیخودی او را رخ نمود.¹¹ پس آسمان را گشاده دید و ظرفی را چون چادری بزرگ به چهار گوشه بسته، به سوی زمین آویخته بر او نازل می‌شود،¹² که در آن هر قسمی از دوابّ و وحوش و حشرات زمین و مرغان هوا بودند.¹³ و خطابی به وی رسید که: ای پطرس، برخاسته، ذبح کن و بخور.¹⁴ پطرس گفت: حاشا، خداوند! زیرا چیزی ناپاک یا حرام هرگز نخورده‌ام.¹⁵ بار دیگر خطاب به وی رسید که: آنچه را خدا پاک کرده است، تو حرام مخوان.¹⁶ و این سه مرتبه واقع شد که در ساعت آن ظرف به آسمان بالا برده شد.

¹⁷ و چون پطرس در خود بسیار متّجّر بود که این رؤیایی که دید چه باشد، ناگاه فرستادگان کرنیلیوس خانه شمعون را تفحص کرده، بر درگاه رسیدند،¹⁸ و ندا کرده: می‌پرسیدند که شمعون معروف به پطرس در اینجا منزل دارد؟¹⁹ و چون پطرس در رؤیا تفکر می‌کرد، روح وی را گفت: اینک، سه مرد تو را می‌طلبند.²⁰ پس برخاسته، پایین شو و همراه ایشان برو

و هیچ شکّ مبر زیرا که من ایشان را فرستادم.²¹ پس پطرس نزد آنانی که کرنیلیوس نزد وی فرستاده بود، پایین آمده، گفت: اینک، منم آن کس که می‌طلبید. سبب آمدن شما چیست؟²² گفتند: کرنیلیوس یوزباشی، مرد صالح و خداترس و نزد تمامی طایفه یهود نیک‌نام، از فرشته مقدّس الهام یافت که تو را به خانه خود بطلبید و سخنان از تو بشنود.²³ پس ایشان را به خانه برده، مهمانی نمود. و فردای آن روز پطرس برخاسته، همراه ایشان روانه شد و چند نفر از برادران یافا همراه او رفتند.

²⁴ روز دیگر وارد قیصریه شدند و کرنیلیوس خویشان و دوستان خاصّ خود را خوانده، انتظار ایشان می‌کشید.²⁵ چون پطرس داخل شد، کرنیلیوس او را استقبال کرده، بر پایهایش افتاده، پرستش کرد.²⁶ اما پطرس او را برخیزانیده، گفت: برخیز، من خود نیز انسان هستم. و با او گفت گوکنان به خانه درآمده، جمعی کثیر یافت.²⁸ پس بدیشان گفت: شما مطّلع هستید که مرد یهودی را با شخص اجنبی معاشرت کردن یا نزد او آمدن حرام است. لیکن خدا مرا تعلیم داد که هیچ‌کس را حرام یا نجس نخوانم.²⁹ از این جهت به مجرّد خواهش شما بیت اُمّل آمدم و الحال می‌پرسم که از برای چه مرا خواسته اید.³⁰ کرنیلیوس گفت: چهار روز قبل از این، تا این ساعت روزه‌دار می‌بودم؛ و در ساعت نهم در خانه خود دعا می‌کردم که ناگاه شخصی با لباس نورانی پیش من بایستاد³¹ و گفت: ای کرنیلیوس، دعای تو مستجاب شد و صدقات تو در حضور خدا یادآور گردید.³² پس به یافا بفرست و شمعون معروف به پطرس را طلب نما که در خانه شمعون دباغ به کناره دریا مهمان است. او چون بیاید با تو سخن خواهد راند.³³ پس بیت اُمّل نزد تو فرستادم و تو نیکو کردی که آمدی. الحال همه در حضور خدا حاضرم تا آنچه خدا به تو فرموده است بشنویم.

³⁴ پطرس زبان را گشوده، گفت: فی‌الحقیقت یافته‌ام که خدا را نظر به ظاهر نیست،³⁵ بلکه از هر امتی، هر که از او ترسد و عمل نیکو کند، نزد او مقبول گردد.³⁶ کلامی را که نزد بنی‌اسرائیل فرستاد، چونکه به وساطت عیسی مسیح که خداوند همه است به سلامتی بشارت می‌داد،³⁷ آن سخن را شما می‌دانید که شروع آن از جلیل بود و در تمامی یهودیه منتشر شد،

بعد از آن تعمیدی که یحیی بدان موعظه می‌نمود،³⁸ یعنی عیسی ناصری را که خدا او را چگونه به روح‌القدس و قوّت مسح نمود که او سیر کرده، اعمال نیکو بجا می‌آورد و همه مقهورین ابلیس را شفا می‌بخشید زیرا خدا با وی می‌بود.³⁹ و ما شاهد هستیم بر جمیع کارهایی که او در مرزوبوم یهود و در اورشلیم کرد که او را نیز بر صلیب کشیده، گشتند.⁴⁰ همان کس را خدا در روز سوم برخیزانیده، ظاهر ساخت،⁴¹ لیکن نه بر تمامی قوم بلکه بر شهودی که خدا پیش برگزیده بود، یعنی مایانی که بعد از برخاستن او از مردگان با او خورده و آشامیده‌ایم.⁴² و ما را مأمور فرمود که به قوم موعظه و شهادت دهیم بدین که خدا او را مقرر فرمود تا داور زندگان و مردگان باشد.⁴³ و جمیع انبیا بر او

شهادت می‌دهند که هر که به وی ایمان آورد، به اسم او آمرزش گناهان را خواهدیافت.
⁴⁴ این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح‌القدس بر همهٔ آنان که کلام را شنیدند، نازل شد.⁴⁵ و مؤمنان از اهل ختنه که همراه پطرس آمده بودند، در حیرت افتادند از آنکه بر امت‌ها نیز عطای روح‌القدس افزوده شد،⁴⁶ زیرا که ایشان را شنیدند که به زبانها متکلم شده، خدا را تمجید می‌کردند.⁴⁷ آنگاه پطرس گفت: آیا کسی می‌تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح‌القدس را چون ما نیز یافته‌اند؟⁴⁸ پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از او خواهش نمودند که روزی چند توقف نماید.